زیر آسمان فیروزه‌ای

دعوتی متفاوت به اجرای یک نمایشنامه‌خوانی

● **شرق:** معصومه رحمانی، از بازیگران نمایش «ترانه‌های‌قدیمی» که درحال‌حاضر روزهای پایانی اجرا را پشت‌سر می‌گذارد، مردم را به نمایشنامه‌خوانی «شب‌سال‌نو» دعوت می‌کند. این نمایشنامه اثری جدید از محمد رحمانیان است که چهارشنبه ۲۷اسفندماه در پردیس سینمایی «چارسو» خوانش می‌شود. رحمانی درباره «شب سال‌نو» می‌گوید: «محمد رحمانیان باز شاهکار دیگری خلق کرده است، این‌بار در نمایش«شب سال‌نو»...خوانش پرهیاهویی از خانواده ایران، با زخم‌ها، دردها و دلخوشی‌های مشترکش در آخرین شب سالی که نو خواهد شد و غنیمت است این فرصت یک‌شبه برای شنیدن این نمایش و همراه‌شدن با شخصیت‌هایش که بی‌شک خاطره‌ای خواهد شد ازیادنرفتنی در شبی از شب‌های آخر سال... .در «شب سال‌نو» مهتاب نصیرپور، حبیب رضایی، هومن برق‌نورد، اشکان خطیبی، معصومه رحمانی، بهنوش طباطبایی، شایسته ایرانی، افشین هاشمی، رامین ناصرنصیر، رویا بختیاری و... نمایشنامه‌خوانی خواهند کرد. این نمایشنامه‌خوانی ساعت ۱۹:۳۰ در پردیس سینمایی چارسو، به آدرس ضلع جنوب‌شرقی تقاطع خیابان جمهوری‌اسلامی و حافظ اجرا خواهد شد.

در نمایشگاه انجمن نقاشان صورت گرفت

فروش ۳۱۰ میلیونی تنها در ۲ روز

● **شرق:** نمایشگاه فروش سالانه انجمن نقاشان ایران در دوروز اول با فروش ۳۱۰میلیون‌تومانی از ۸۲هنرمند همراه بود. فروش اعضای انجمن نقاشان ایران که در نمایشگاهی از ۲۲اسفند با هدف ترویج خرید آثار هنری از سوی مردم در هفت‌گالری خانه‌هنرمندان درحال برگزاری است، در دوروز اول ۳۱۰میلیون‌تومان از ۸۲هنرمند بدون خرید نهادهایی مانند وزارت ارشاد یا شهرداری به فروش رفته است. این نمایشگاه از سوی کمیته نمایشگاه‌های انجمن هنرمندان نقاش، از ۲۲اسفند در گالری‌های خانه‌هنرمندان ایران گشایش یافته و تا ۲۷اسفند ادامه دارد که با توجه به تعطیلی خانه‌هنرمندان در ایام نوروز، ادامه بازدید از این نمایشگاه به بعد از نوروز۹۴ موکول می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند از ۱۵فروردین‌ماه۹۴ تا ۲۰فروردین از این نمایشگاه بازدید کنند.

در ۱۲سالگی درگذشت عکاس برپا می‌شود

عکس‌های «کاوه» در مهم‌ترین رویداد عکاسی انگلستان

فرزانه ابراهیم‌زاده: کاوه گلستان از پشت لنز دوربین خود به‌دنبال «ثبت حقیقت» بود؛ حقیقتی که ۱۳فروردین ۱۳۸۲ در کفری عراق او را روی مین برد. حالا در آستانه دوازدهمین سال درگذشتش، قرار است عکس‌های او در مهم‌ترین رویداد عکاسی بهار لندن به نمایش درآید. سامرست هاوس لندن در ماه می ۲۰۱۵- اردیبهشت و خرداد ۹۴- نمایشگاه بزرگ عکاسی‌ای را برگزار خواهد کرد؛ نمایشگاهی که نیمی از آن به عکس‌های موزه عکاسی ویکتوریا آلبرت لندن اختصاص دارد و بخش دیگر، عکس‌هایی از کاوه گلستان خواهد بود. هنگامه گلستان با تایید خبر برگزاری این نمایشگاه عکس در لندن به «شرق» گفت: «این نمایشگاه که به لندن‌فوتو معروف است، به عکس‌های موزه عکاسی موزه ویکتوریا آلبرت اختصاص دارد. قرار است در بخشی از این نمایشگاه عکس‌های این موزه باشد و در بخش دیگر عکس‌های کاوه به نمایش درآید.»

سایت خانه سامرست لندن نیز با اعلام خبر نمایشگاه لندن‌فوتو، از اختصاص نیمی از آن به عکس‌های کاوه گلستان خبر داده و نوشته است: «این نمایشگاه که با حمایت موسسه LUMA برگزار می‌شود، نخستین نمایشگاه عکس در این اندازه و وسعت است و بخش مهمی است که عکاسی معاصر را به نمایش خواهد گذاشت.» براساس اعلام سایت سامرست هاوس لندن، در بخشی از این نمایشگاه آرشیوی از عکس‌های عکاس فقید ایرانی، کاوه گلستان به نمایش درمی‌آید؛ عکس‌هایی که به نوشته این سایت عکس‌های تحسین‌آمیزی است. قرار است در کنار این نمایشگاه کارگاه‌های بررسی عکس هم برگزار شود. این نمایشگاه یکی از مهم‌ترین رویدادهای هنری انگلستان است که در سال‌جاری در لندن برگزار می‌شود.

سامرست هاوس بنایی باشکوه و تاریخی در نزدیکی کرانه‌های جنوبی رود تایمز در مرکز لندن است که قدمت آن به قرن شانزدهم میلادی بازمی‌گردد و از سال‌ها پیش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین موزه‌های تاریخی و هنری اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این خانه هنری سال گذشته مجموعه‌ای از ۳۴ عکس از ۹ عکاس ایرانی را در نمایشگاهی با عنوان «نسل سوخته» برگزار کرد. اما ویژگی مهم این نمایشگاه، نمایشگاه گنجینه عکس‌های آرشیو موزه عکس ویکتوریا آلبرت لندن است که یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های هنری جهان را داراست.

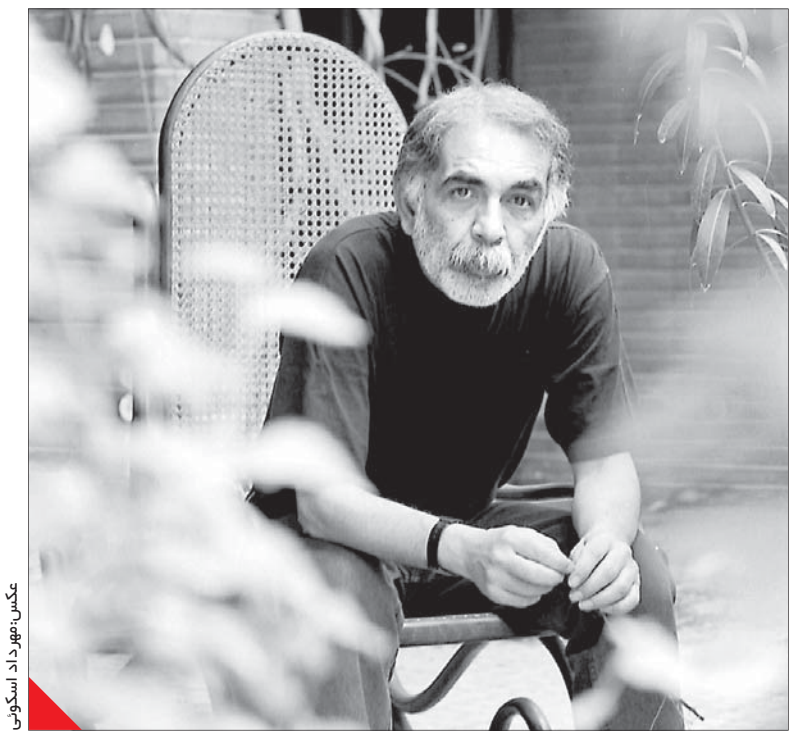

عکس: مهرداد اسکوئی

اما این نمایشگاه تنها برنامه‌ای نیست که قرار است به نام کاوه گلستان برگزار شود. هنگامه گلستان، همسر او که مسوولیت سرپرستی آثارش را دارد، از نمایش کولاژهای پولاروید کاوه گلستان در آرت‌دوبی می‌گوید: «قرار است دوروز مانده به عید، در آرت‌دوبی کولاژهای پولاروید کاوه به نمایش درآید؛ عکس‌هایی که تنها یک‌بار، آن‌هم زمانی که کاوه زنده بود، در گالری سیحون به نمایش گذاشته شد.» به گفته هنگامه گلستان، بخش زیادی از این عکس‌ها که با مجموعه‌های دیگر عکس کاوه گلستان تفاوت زیادی دارد در آن نمایشگاه به فروش رفته است و تنها بخشی از آنها باقی مانده است که به همراه توضیحاتی درباره هر کدام و نحوه عکاسی آنها ارایه خواهد شد. نمایشگاه کولاژهای پولارویدی «از دیو و دد...» در دهه ۵۰ در گالری سیحون برگزار شد. این عکس‌ها که برخلاف مجموعه‌های دیگر کاوه گلستان رنگی بود به گفته هنگامه گلستان نوعی نمایش نابرابری در جامعه آن روزگار ایران بود: «او در مجموعه پولاروید برخلاف تصاویری که در کارگران و زنان روسپی و مجنون نشان داده بود تصویر آدم‌های خوشبخت را در عکس‌های پولارویدی کولاژ کرده بود.»

هنگامه گلستان همچنین به برخی برنامه‌های دیگر که در سال ۹۳ در آستانه دوازدهمین سالگرد رفتن کاوه گلستان اشاره کرد و گفت: «از سال گذشته هم چند نمایشگاه خیلی‌خوب از مجموعه روسپیان کاوه در آمستردام و موزه فوام که یکی از بهترین موزه‌های عکاسی است گذاشتیم.»

گلستان با اشاره به استقبالی که از این نمایشگاه شده است گفت: «وقتی این عکس‌ها در آنجا نمایش در آمد با استقبال زیادی روبه‌رو شد. من خودم که داشتم عکاسی می‌کردم می‌دیدم که این عکس‌ها انگار زنده شده است. برای مردم هم از عکس‌ها و هم داستان عکس‌ها جالب بود. احساس می‌کردم با دیدن این عکس‌ها احترامی به این‌زن‌ها گذاشته شد. جدا از اینکه این زن‌ها چه شغلی داشتند این عکس‌ها نوع دیگری به آنها نگاه کرده بود. اصلا به اینکه از چه محله‌ای بودند توجه نمی‌کردند. برای اینکه این زن‌ها با روسپیان تفاوت دارند. اینها از سر بیچارگی اینجا زندگی می‌کردند.»او همچنین با اشاره به سایر نمایشگاه‌های سال گذشته گفت: «بعد از این نمایشگاه نمایشگاهی در پاریس برگزار شد که عکس‌های کاوه گلستان در آن به نمایش درآمد: «این نمایشگاه که گروهی بود مربوط به هنر ایران بود و ما همین مجموعه را به نمایش گذاشتیم. بعد از آن در رم نمایشگاه دیگری بود.»

گلستان این برنامه‌ها را کارهایی برای حفظ آنچه به‌جامانده از این عکاس سرشناس ایرانی، دانست و گفت: «این ۱۲سال خیلی برایم سخت بود. از اولش هم برایم سخت بود. برای همین فکر کردم بروم به سراغ چیزهای زنده کاوه و آن‌چیزی که ارزش دارد را حفظ کنم. اینکه من بنشینم و غصه بخورم که کاوه برنمی‌گردد. برای همین شروع به کار کردم و یک کتاب بسیارخوب درباره کاوه منتشر کردم.»

او درباره شکل‌گیری بنیاد کاوه گلستان هم گفت: «با همین نمایشگاه‌هایی که از سال گذشته برگزار کردیم سعی کردیم بنیاد کاوه را هم فعال کنیم. همه این نمایشگاه‌ها و به‌خصوص نمایشگاه سامرست هاوس با اسم بنیاد کاوه یا KAVEH GOLESTAN STATE برگزار شده است. می‌خواهیم اول در جاهای مهم دنیا این نمایشگاه‌ها را برگزار کنیم و از عکس‌های خوبش انتخابی کنیم و آن را به موزه‌های مشهور جهان بدهیم تا برای همیشه در آنجا نگهداری شود. موزه‌هایی که صحبت‌هایی درباره آنها شده تیت‌گالری لندن و موزه نیویورک است که در جریان است. ما به دنبال منابعی هستیم تا عکس‌ها و اسلایدهایش را اسکن کنیم. یکی از نگرانی‌های من این است که بخشی از عکس‌های کاوه به‌خصوص اسلایدهایش، لکه‌هایی پیدا کرده که شبیه قارچ است و داریم اینها را درست می‌کنیم. اولین هدف، اسکن‌کردن همه عکس‌هاست به این دلیل که اینها در خطر ازبین‌رفتن هستند.»

کاوه گلستان عکاس شناخته‌شده مستند و خبری ایرانی بود که عکاسی را دهه۵۰ با مستندنگاری‌های مشهورش در قلعه و زندگی کارگران و بیماران روانی آغاز کرد. او در ۱۳ فروردین ۱۳۸۲ هنگام انجام ماموریت تصویربرداری برای شبکه خبری بی‌بی‌سی در خط مقدم جنگ آمریکا علیه عراق، در شهر مرزی کفری در ۱۳۰کیلومتری کرکوک در عراق که تحت کنترل اتحاد میهنی کردستان بود، بر اثر انفجار مین کشته شد.

گفت‌وگو با جان ویدمن، مجسمه‌ساز

آمریکایی آرام در «کیش»

جرثقیل جابه‌جایی آثار، آرامش بخشی از دماغه هور را از بین برده است. روز پایانی سمپوزیوم مجسمه‌سازی کیش است و آنها که هنوز آثارشان را تمام نکرده‌اند، درحال انجام آخرین مراحل هستند. در میان آنها اما مردی تنها نظاره‌گر است و کمتر به هیاهوی جمعیت اهمیت می‌دهد. جان ویدمن، مجسمه‌ساز آمریکایی یکی از اعضای هیات داوران این سمپوزیوم است که دو روز قبل از مراسم اختتامیه آمده تا به همراه سعید شهلاپور و سیدمحمد بهشتی به ارزیابی آثار بپردازد. او برخلاف ۱۷مجسمه‌ساز ایرانی و خارجی شرکت‌کننده، بسیار آرام است و معمولا بدون اینکه مدت طولانی با کسی صحبت کند، در گوشه‌ای نظاره‌گر است. ویدمن، متولد ۱۹۴۳ در آمریکاست که مدتی هم در کانادا زندگی کرده و برای اولین‌بار به ایران آمده است. او فارغ‌التحصیل رشته‌های زمین‌شناسی، روانشناسی و هنر از دانشگاه آکسفورد اوهایو است. او اهل گفت‌وگوی طولانی نبود و بیشتر بر این موضوع تاکید داشت که احساس و قلب هنرمند باعث خلاقیت و ساخت یک اثر خوب می‌شود.

***چطور شد این‌بار تصمیم گرفتید به ایران بیایید و با توجه به تجربه حضور در سمپوزیوم‌های دیگر، برگزاری این سمپوزیوم چگونه بود؟**

قبلا دعوتنامه‌هایی از ایران داشتم اما نیامده بودم، منتها این‌بار یکی، دونفر از دوستانم به صورت تلفنی از من برای حضور در این سمپوزیوم دعوت کردند و من‌هم نتوانستم دعوت آنها را رد کنم. از نظر من هنر، صرفا داشتن استعداد خاصی نیست، در هنر باید به دست بیاورید و سخت تلاش کنید. من برگزارکننده سمپوزیوم بوده‌ام، در سمپوزیوم‌های دیگری نیز شرکت کرده‌ام و با هنرمندانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، آشنا هستم. براساس تجربه‌ای که در این مورد داشته‌ام، متوجه شده‌ام آموختن خیلی مهم است و هریک از این سمپوزیوم‌ها مرحله‌ای برای بودن در کنار هم و آموختن است. به‌نظرم سمپوزیوم کیش هم در سطح خوبی برگزار شد و تمام کارها کیفیت خوبی داشتند. هریک از این آثار عضوی از یک خانواده بزرگ را شکل می‌دهند. مهم‌ترین نکته، سازگاری است. اگر قطعه‌هایی که با هم در ارتباط هستند، باید با هم هماهنگ باشند و اگر با یکدیگر سازگار نبودند باید به دنبال چرایی آن رفت؛ چون در نهایت، این آثار قرار است یک پیام بصری باشند. هنرمند در این پیام بصری باید مشخص کند که قصد داشته است چه پیغامی را منتقل کند. ما همین‌طوری نمی‌توانیم بفهمیم هنرمند چه قصدی از ساخت یک اثر داشته و وقتی به کار نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم چه جهان‌بینی‌ای دارد. ضمن اینکه رابطه هنرمند و ماده باید صمیمانه باشد و نباید در طبیعت ماده و مصالح تغییری ایجاد کنیم؛ مثلا اگر بخشی از یک قطعه سنگ، خراب است می‌توانیم آن را ترمیم کنیم اما نباید واقعیت آن ماده را عوض کنیم. مثلا در برخی از سنگ‌ها، سوراخ‌ها و منفذهایی وجود دارد که در ساخت مجسمه، نباید این منفذها را پرکرد اما در همین سمپوزیوم با این مورد مواجه شدم؛ یعنی بخشی از واقعیت ماده تغییر داده شده و منفذها پر شده بودند درحالی که با طبیعت سنگ مغایر بود.

معیارهای داوری‌تان چه بود؟

مهم‌ترین معیار من انسان‌گرایی است و اینکه به انسان پرداخته شود. خود من‌هم در کارهایم بسیار بر انسان تکیه دارم. معیارهای من نیز مثل خیلی از افراد دیگر درحال تغییر است، چون خودم هم تغییر می‌کنم اما معتقدم کار با مواد باید با احساس و حساسیت همراه شود و توازنی میان تکنولوژی و خلاقیت به وجود آمده باشد. برخی هنرمندان، مجسمه‌های بزرگی می‌سازند و به این وسیله، تکنولوژی را به رخ می‌کشند؛ البته منظورم این نیست که به‌واسطه بهره‌بردن از تکنولوژی بالا، اثری فاقد خلاقیت است اما هنر یک جریان است که نباید تکنولوژی صرف در آن مطرح باشد.

کارهای ایرانیان چگونه بود؟

کار هنرمند درک این موضوع است که چگونه می‌شود یک ایده را به بهترین وجه به فرم تبدیل کرد. اگر ایده خوب باشد، بزرگ هم که شود خوب خواهد شد اما ایده که بد باشد، وقتی اثر بزرگ شود، بدتر می‌شود. به‌نظرم یک اثر ربطی به کشور هنرمند ندارد و هر کاری از قلب او برمی‌آید. البته طبیعی است که هنر از فرهنگ تاثیر و فرهنگ از مردم یک کشور نشات می‌گیرد ولی هنوز یک خط مستقیم، مستقیم و یک خط منحنی، منحنی است؛ یعنی فرهنگ یک سوی ماجراست و اثری که خلق می‌شود سوی دیگر ماجرا. قانون‌هایی وجود دارد که فراسوی فرهنگ‌ها باید رعایت شوند و در این زمینه، آموزش و پرسیدن خیلی مهم است. این موارد به کشور و فرهنگ هنرمند ارتباط زیادی ندارد. شما زمانی می‌توانید به خلاقیت برسید که قلبتان را باز کنید و با تعالیمی که آموخته‌اید، اقدام به تولید اثر کنید. به همین دلیل در بررسی آثار به ملیت مجسمه‌سازان و ایرانی‌بودن آنها تاکید نکردم.

یادداشت روز

چندسطر درباره جایزه پوستر زمین سبز در آستانه «واقعی‌شدن»

کیانوش غریب‌پور*

● مدیوم‌پوستر، همیشه برای طراحان گرافیک جذاب بوده است. گویی در ناخودآگاه طراحان گرافیک، چارچوب پوستر یادآور قاب نقاشی است که تا به آن می‌رسند، تمایلات ناب هنری‌شان بیدار می‌شود. پوستر اغلب رسانه‌ای مستقل است که به اعتبار خودش اعتبار دارد. این در دیزاین، که اغلب رسانه‌هایش اجزای به‌هم‌پیوسته و الزامات کاربری دارند، فرصت مغتنمی است که تمایلات زیبایی‌شناسانه طراح گرافیک، رهاتر از هر قاب دیگری جلوه کند. از این گذشته، پوستر، هروقت ماهیتا پوستر باشد- نه‌فقط از حیث بزرگی ابعاد و دیوارکوب‌بودنش- در رویدادها، جشن‌ها و جشنواره‌ها، اجراهای هنری و کارکردهای تبلیغات اجتماعی (Propaganda) مصرف دارد. از این جهت تماشاگر پوستر هم آموخته که از آن توقعی غیر از آگهی داشته باشد. حتی در تبلیغات تجاری (Advertising) هم پوستر وقتی طعم پوستر می‌دهد که تبلیغ کالا یا خدمت، در سایه پرده‌ای از ایده‌پردازی و اندیشمندی، به حاشیه رفته باشد. ماهیت این رسانه در ایران به‌دلیل ویژگی‌های یک‌کشور درحال‌توسعه و فاقد تنوع سوژه و رسانه- آنطور که در کشورهای صنعتی سراغ داریم- معنی‌های جدیدی هم به‌خود گرفته است. هنوز هم هستند نحله‌هایی که طراحی را که در کارنامه‌اش پوستر نداشته باشد، طراح به‌حساب نمی‌آورند. گویی طراحی پوستری بالاترین مرتبه اعتبار و پشت‌بام برج طراحی گرافیک باشد. این مواجهه مبالغه‌آمیز تا جایی پیش رفت که بارهاوبارها نمایشگاه‌های مختلف با سوژه‌های متنوع راه‌اندازی شد تا بهانه‌ای باشد برای طراحی پوستر. به این اضافه کنید ده‌ها پوستر خودخواسته طراحان گرافیک که بدون وجود سفارش و سفارش‌دهنده واقعی، در فضاهای کاغذی و مجازی منتشر شد؛ بلکه به‌زور هم که شده، حجتی باشد بر مقام طراح‌بودن! اما حالا «جایزه پوستر زمین سبز» از بسیاری از جهات، واقعی است؛ هم موضوع‌ها دقیقا همان‌هایی است که دستمایه ایده‌پردازی و خلاقیت طراح باشد، هم کارکرد پوسترها واقعا همان کارکردی است که در پوسترهای اجتماعی تجربه کرده‌ایم. این فرصت را «اکسپوی میلان۲۰۱۵» به وجود آورد. رویداد اکسپو که بنابر اعلام سازمان‌ملل‌متحد، بعد از جام‌جهانی فوتبال و المپیک، بزرگ‌ترین رویداد و گردهمایی جهان است، هرپنج‌سال‌یک‌بار در یکی از شهرهای مستعد کشورهای منتخب برپا می‌شود. اکسپو، جشنواره تمدن‌هاست، با جلوه‌گری امروز، بالیدن به گذشته و امید به چشم‌اندازهای پیش‌رو. این اَبَرجشنواره به هر کشوری که رفته، تحولی در آن ایجاد کرده و هربار نقطه‌عطفی در بشریت و توسعه به‌حساب آمده. این‌بار، میلان در حالی میزبان اکسپو است که جهان غوطه‌ور در بحران اقتصادی فراگیر، تنش‌های قومی، نابودی گونه‌های حیات‌زیست، آلودگی هوا، بحران زباله‌ها و از همه مهم‌تر، محدودیت منابع آب و غذا، بیش از هر همایش دیگری نیازمند همگرایی است. اکسپوی میلان۲۰۱۵ با شعار «تغذیه زمین، انرژی برای حیات» پیام مهمی برای سرنوشت همه ما دارد و ایران نیز با شعار «سفره جهانی، فرهنگ ایرانی»، واکنش دقیقی به شعار نشان داده است. ازاین‌جهت «جایزه پوستر زمین سبز» فرصت نابی است که طراحان گرافیک می‌توانند با خیال آسوده از اینکه در میدان واقعی و کاربردی طراحی گرافیک و رسانه پوستر ایستاده‌اند، پوستر بسازند. چراکه علاوه بر نمایشگاهی در تهران و کتابی که می‌ماند، برگزیده پوسترها در پیاده‌روی بیرون غرفه ایران، در بهترین موقعیت نقشه اکسپو، شش‌ماه اکران خواهد شد. چه فرصتی از این بهتر برای یک طراح گرافیک واقعی! شاید طراحی گرافیک ایران در چهارمین‌سال از دهه خمودگی و کم‌فروغی، جانی تازه بگیرد و پوستی دیگر بیندازد. بیش از هر چیز باید امیدوار بود که در آستانه «واقعی‌شدن» ایستاده باشیم و از عوالم خیال و مجاز، پایمان را بر زمین واقعیت بگذاریم، آن‌وقت دیدن پوسترهایی که آرزو می‌کنم طراحان خلاق و همکاران پیشتاز نشانمان دهند، دیدنی‌تر است.

* دبیر هنری جایزه پوستر زمین سبز

تماشاخانه

«پاییز» به صحنه برگشت
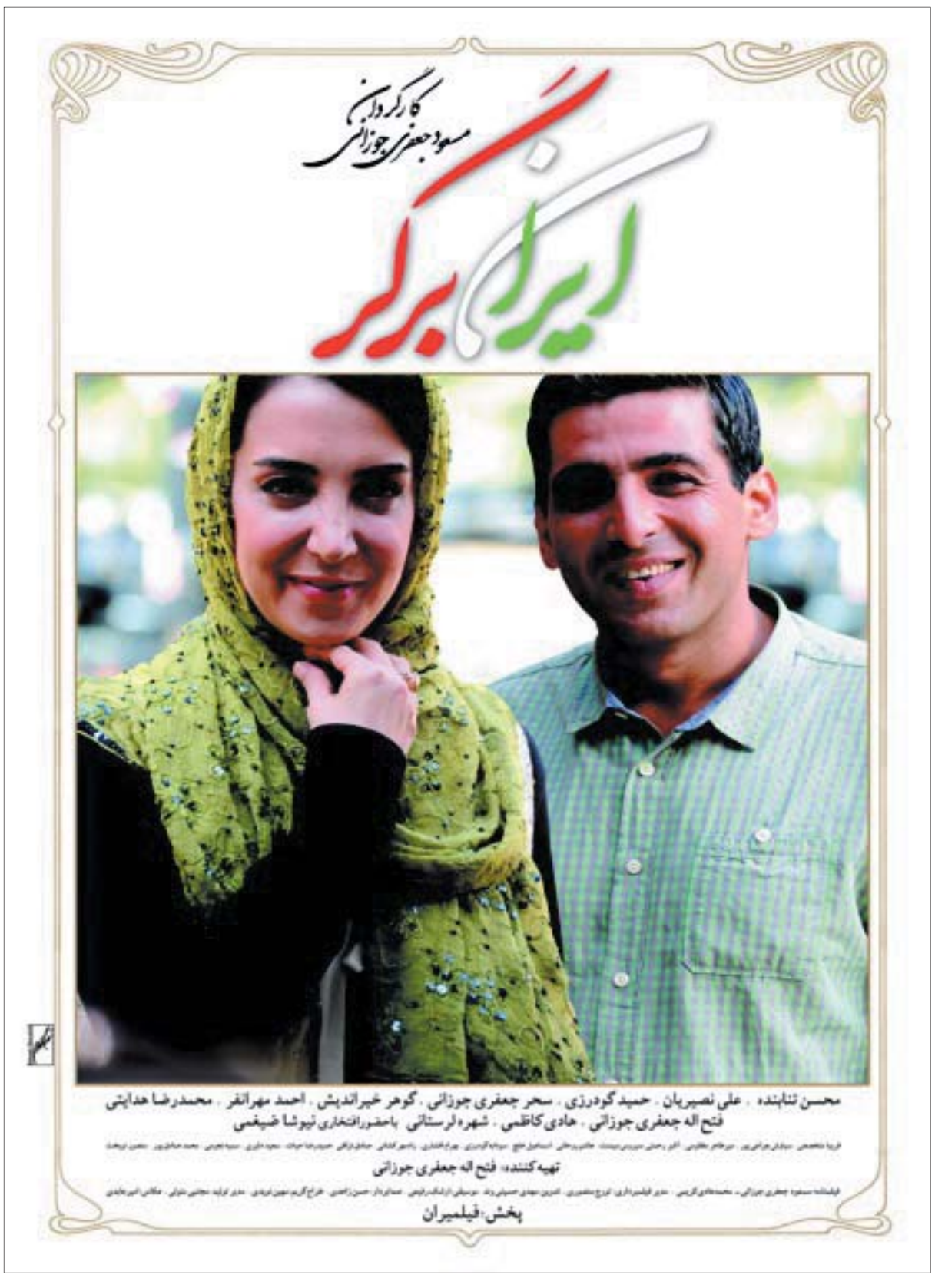
● **شرق:** پاییز بعد از دوروز توقف، از روز ۲۰اسفند بار دیگر روی صحنه رفت و به‌گفته نادر برهانی‌مرند، کارگردان این نمایش، تا ۲۵اسفند در تماشاخانه ایرانشهر اجرا خواهد داشت. برهانی‌مرند در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه این نمایش قرار است بعد از عید در تالار شمس روی صحنه برود نیز گفت: «باتوجه به پیشنهادی که ارایه کردیم و مورد موافقت قرار گرفت، از ۱۵فروردین سال ۱۳۹۴ نمایش «پاییز» در تالار شمس روی صحنه می‌رود و تا آخر اردیبهشت در این سالن ادامه خواهد داشت.»